

# دولت شش کلاسه همین روزا خلاصه!

امیر جواهری لنگرودی

شنیدن این شعار «دولت شش کلاسه، همین روزا خلاصه» در حرکت اعتراضی بازنشستگان - به گمانم در کرمانشاه - ذهنم را به خود مشغول داشت تا آنرا رصد کنم و علت العلل سردادن چنین شعاری را در هیكل دولت قاضی القضاات امام مرگ ابراهیم رئیسی در کشتار خونین قتل عام تابستان ۱۳۶۷ پی گیرم!

برآئیم؛ سونامی و موج عظیم گرانی‌های کمرشکن، در کنار دستمزدهای حداقلی زیر خط فقر، درد مشترک همه‌ی آحاد بی چیزان جامعه‌ی ما اعم از زنان (شاغل- خانه دار و سرپرست خانوار) بازنشستگان و گروه‌بندی‌های مختلف بازنشستگان و از کارافتادگان و بازماندگان (حداقل بگیران و حداکثر بگیران تأمین اجتماعی) بازنشستگان کشوری، فرهنگی و... معلمان شاغل و غیراستخدامی، قراردادی و روزمزد، پرستاران و بهیاران و مددکاران، دست فروشان، کارکنان دولتی و همه‌ی لایه‌های کارگران، اعم از استخدامی، قراردادی و روزمزد، ارتش عظیم بیکارشدگان امروز، کارگران دیروز و نیروی عظیم چند ده میلیونی حاشیه نشینان و بی خانمانان است که زندگی بخش عظیمی از مردم جامعه را به نابودی کشانده است.

یک نکته روشن است؛ همه‌ی نیروی چند ده میلیونی مزد و حقوق بگیران اعم از بازنشستگان و معلمان و کارگران ما به دستمزدهای زیر خط فقر، اعتراض مداوم دارند، به ویژه امروز با چندین برابر شدن قیمت‌ها، حتی تهیه‌ی نان خالی هم برای همگان مشکل و طاقت فرسا شده، پرسش این است: چگونه باید چرخه‌ی زندگی را گرداند؟!

امروز یک پرسش اساسی دیگر هم در برابر کل جامعه ما دهان باز کرده و آن اینک: در شرایطی که بیش از ۱۶۰ استاد اقتصاد دانشگاه هشدار داده‌اند، آزادسازی قیمت‌ها در شرایط تحریم و تورم توأمان، باعث افزایش فشارهای معیشتی و گسترش نارضایتی‌های اجتماعی و امنیتی می‌شود، دولت تا کجا قرار است ایده آزادسازی قیمت‌ها، که نه در مورد ۴ قلم کالای خاص، بلکه مجموعه‌ی اقلام و کالاها را در بر گرفته است، در شرایطی که حل مشکل تحریم‌های امپریالیستی نیز سر جای خود است، این طرح را پی گیرد؟

هیچ احتیاج به درازگویی نیست؛ بلکه باید صریح و بی پروا نوشت: این گرانی و کمبودها و خیزش عظیمی که چندین استان و شهرستان را فرا گرفته، خلق الساعه نیستند. در شرایطی که در ایران، بین ۲۰ تا بالای ۶۰ درصد مواد اولیه‌ی تولید کشور مواد وارداتی است و در شرایطی که رخداد جنگ ویرانگر روسیه و اوکراین، تورم وارداتی گسترده‌ای را در مجموعه‌ی اقلام وارداتی در کل جهان شکل داد که این تورم در قیمت اقلام مصرفی ایران نیز خود را نمایان کرد. زمانی که این اقلام وارداتی گران شود، قیمت محصولات تولیدی نیز گران‌تر می‌شود. از سوی دیگر تکالیفی در قانون بودجه ۱۴۰۱ وجود داشت که باعث افزایش قیمت‌ها شد. زمانی که پس از چند سال نرخ ارز مبنای محاسبه‌ی حقوق

ورودی و خروجی گمرک از ۴۲۰۰ تومان به نرخ ETS تغییر داده شد، و نرخ دلار در دولت ناکارآمد و بی خاصیت ابراهیم رئیسی با بالای ۳۰۰۰۰ کشیده شد، این تغییر در افزایش قیمت‌ها همواره هویدا شد.

در برابر دولتیان با لودگی هرچه تمام‌تر می‌گویند و می‌نالند: نباید به جامعه اینطور القا کرد که افزایش همی بار تورمی اردیبهشت و خرداد ماه به اجرای سیاست عادلانه کردن توزیع یارانه‌ها ربط دارد. چرا که تنها دلیل گرانی‌ها، اجرای این سیاست نیست و دلایل دیگری چون **افزایش حقوق و دستمزدها**، افزایش نقدینگی و... نیز اثرات خاص خود را داشته است!

در برابر چنین ادعای مسخره آپارات دولتیان، برای جامعه‌ی ما در دولت‌های گوناگون (سازندگی رفسنجانی، اصلاحات محمد خاتمی، دولت پادگانی احمدی نژاد، تدبیر و امید حسن روحانی، قاضی مرگ ابراهیم رئیسی) ضعف تولید داخلی از یک سو، گران شدن نرخ ارز از سوی دیگر و تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا و کشورهای معظم سرمایه داری و بزرگ شدن هرچه گسترده‌ی نظام دلالی و رانت خواری در توزیع کالا و گستردگی مافیای همه سر اختلاس گر و پول شویی‌های مکرر، یکی داستان است پر آب چشم که زمینه‌ی گرانی و کمبود کالاها را به وجود آورد. مشخص است که این امر، در دهه‌ی ۸۰ روند گرانی تشدید شد و در دهه‌ی ۹۰ تنگدستی هرچه بیشتر طبقات کم درآمد و میانه‌ی اجتماعی شروع شد. آغاز گرسنگی و فقر در اواسط دهه‌ی ۹۰ شکل نگران کننده‌ای به خود گرفت و با شروع قرن جدید شمسی در آغاز سال ۱۴۰۱ وضعیت اسفناکی از لحاظ گرانی کالاها و تورم در جامعه رقم خورد. آنچه در دی ۹۶ و آبان ۹۸ و بعدتر در خوزستان تشنه و بی آب و خشکی زاینده رود اصفهان و دشواری پاسخ نگرفتن روستائیان زحمتکش پیرامون حقابه و ساچمه باران بر چشم و چال مردم آن سامان و موج کشتار و دستگیری‌ها در جنبش عظیم ترقی‌خواه فرهنگیان در سال ۱۴۰۰ و به اینطرف، شاهد دستگیری معلمان کشور و احضار و دستگیری فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد (رضا شهابی و حسن سعیدی) همه و همه بر بستر این خانه خرابی‌های حاکمیت اسلامی و دولت‌های همراه آنها بوده است. حاکمیت بر این باور است که مردمان ایران نباید در کف خیابان‌ها بریزند و به دهان چنین یاهو گویانی بزنند و روزگار آنان را با تباهی همراه سازند. در عوض آنان با سناریوسازی امنیتی، و طراحی نمایشات سوخته، سعی در فریب افکار عمومی دارند و می‌خواهند توجهات را به کاتال‌های تلویزیونی بکشانند، تا با ایجاد نوعی رعب و وحشت، چند صباحی به عمر ننگین خود ادامه بدهند!

در این میان عموم مردمان ما اعم از یک درصدی‌ها، ۱۰ درصدی‌ها، به عبارتی پایینی‌های جامعه، ناگزیرند برای شکستن همه‌ی شاخص‌های فلاکت و مخرب نظام اسلامی، در این شرایط و انفسای اقتصادی، با خیابان آمدن و سنخیت بخشیدن به شعار «تنها کف خیابون، به دست میاد حقمون» نخستین قدم‌ها را برای از بین بردن سیستم دلالی کالا و فساد بیش از اندازه، تعدیل اصولی نرخ ارز، مقابله با تحریم اقتصادی و تمامی سیاست‌های نادرست و نسنجیده‌ی حاکمیت که با استفاده از همه‌ی توان نیروهای خویش در از بین بردن فساد ساختاری که ایجاد مافیاهای مختلف در توزیع کالاها را بوجود آوردند، اعتراض کرده و بخواهند با عبور از وضعیت موجود، خود چرخه‌ی هدایت‌گری را به عهده گیرند. این مهم فراهم نمی‌یاید مگر با چرخه‌ی سازماندهی و سازمانیابی و متشکل شدن نیروهای مطالبه‌گر در عرصه‌ی رویارویی‌ها و مبارزه‌ی روزمره‌ی آنان!

برای مبارزه خیابان‌ها باید در اختیار و اشغال مردم مطالبه‌گر باشد. مکان مبارزه و انتشار آگاهی خیابان است و این را هم نیروهای متشکل و صنفی و هم توده‌های جان به لب رسیده آزموده و آموخته‌اند. حاکمیت هم با انواع شگردهای بی‌شرمانه سعی در کنترل حضور و اعتراضات خیابانی مردم داد. از بازنگری در قوانین استفاده از سلاح گرفته تا بازداشت‌ها گسترده به بهانه‌ی تجمعات غیر قانونی از معترضین در خیابان‌ها.

آینده را هم همین وزن‌کشی خیابانی مردم و حکومت سرکوبگر در کف خیابان‌ها مشخص خواهد کرد. وقتی خیابان در اختیار و اشغال مردم مطالبه‌گر باشد، جایی برای حکومت باقی نخواهد ماند. در این نبرد نا برابر: یا ما سرختم را بگوییم به سنگ / یا او سر ما به دار سازد آونگ!  
پنجشنبه ۲ تیر ۱۴۰۱ برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲

## \* سایت روز شمار جنبش کارگری ایران

روز شمار کارگری شماره ۳ ، پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت تا شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ برابر شنبه ۲۱ مه ۲۰۲۲

<http://karegari.com/maghalat/2022/06/23/rooz%20shomar%20 Nr 3.pdf>